

در حین شمارش آرای انتخابات آمریکا هر دو کاندیدا اعلام پیروزی قاطع کردند

پیروز قطعی انتخابات اینجانب هستیم

فرهیختگان

www.fdn.ir | Thu | 5 Nov 2020 | vol.12 | No. 3174 | 16 Pages

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
تیران ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره سال ۳۹۱۲
پنجمین ۱۵ آبان ۱۳۹۹
۱۹ ربيع الاول ۱۴۴۲
۵ نوامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۱۷۴



معنی آمار بالای آگهی در پلتفرم‌های تبلیغاتی چیست؟

تورم آگهی‌های اینترنتی در سال رکورد تورم

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با رئیس دبیرخانه پایش آزاد دانشگاه آزاد اسلامی

گام دوم کیفی سازی طرح‌های پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی

چرا ۲۷۰ روز باقی مانده از دولت از ۲۷۰ رای رئیس‌جمهور آمریکا مهم‌تر است؟

سوم نوامبر تمام شد کار کنید



یادداشت

چرا گفت‌وگوی حامد کاشانی و حسین دهباشی مهم بود؟

یکی ترس از رادیکالیسم که نگاه‌های امنیتی آن را تشدید می‌کنند و دوم به رسمیت نشناختن دیگری که جناح بازی باعث تعمیق آن شده است. در گفت‌وگوی حل مساله اساسا ورود با رادیکالیسم و خروجی تفاهم خواهد بود. همچنین اگر دیگری به رسمیت شناخته نشود، گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد. خبیاتی که به خصوص در چند سال گذشته رخ داده، حذف دیگری‌هایی است که منافع جناحی برخی گروه‌ها را تأمین می‌کند و به جنس محافظه‌کاری سازمان یافته درآمده است. این باعث شده مثلا در صداوسیما هر چهار سال یک‌بار صداهای متعارض در قالب کاندیداهای ریاست‌جمهوری نمایان شده و به شکل بسیار رادیکالی فضا را ملتهب کنند. این رادیکالیسم حاصل انباشت سانسورهای رسانه‌ای است که باعث سرکوب گفت‌وگو شده است. فرار از گفت‌وگو به خصوص در سطح حاکمیتی آن تبعات گرانی خواهد داشت که در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم. لذا باید تاکید کنیم که رکن مردم‌سالاری دینی ایجاب می‌کند تا بستری برای گفت‌وگوهای مسالمة محور و مردم‌سالار فراهم شود و بدون واهمه و در راستای چارچوب‌های تنظیم‌گری جدی‌ترین گفت‌وگوها در محضر افکار عمومی شکل بگیرد. این واضح است که نهادهای مردم‌سالار تنها باید اوضاع گفت‌وگوی مردم‌سالار را تضمین کنند. تا زمانی که صداوسیما حرفه‌ای‌گری و تخصص را جایگزین محافظه‌کاری، ترس و مصلحت‌سنجی نکند، این بستر فراهم نمی‌شود و این شبکه‌های اجتماعی هستند که سکان دار هدایت گفت‌وگوها خواهند ماند.

منتظر ادامه گفت‌وگو است، نشان می‌دهد که ژانر گفت‌وگو به شرط مشکل‌گشا بودن و بحث بر سر گره‌ها می‌تواند بسیاری از مخاطبان را جذب کند. همچنین سطح معرفت عمومی را ارتقا بخشد. دیگر کارکرد این نوع گفت‌وگوها راهی و برون‌رفت از وضعیت است. همان‌طور که باختین نیز اشاره کرده است از طریق آگاهی و دستکاری خلاقانه در شیوه‌های متنوع گفت‌وگو، افراد می‌توانند در زندگی و وضعیت خود تغییراتی ایجاد کنند که آزادی عمل حتی محدودی را برای شرایط زندگی میسر می‌سازد. گفت‌وگوی حل مساله در پیک تعارض و تضاد شکل می‌گیرد. اگر هیچ تضاد و تعارضی در میان نباشد، اساسا گفت‌وگو مشکل‌گشا شکل نمی‌گیرد. اینکه عده‌ای از گفت‌وگوی ملی سخن می‌گویند بدون آنکه مقدمات و قواعد آن را مطرح سازند، بیشتر سیاسی‌بازی است از راهی‌بخشی. در منطق گفت‌وگو تضاد و تعارض‌های طرفین حتما رفع یا پاک نمی‌شود. اینکه اختلافات را کنار بگذاریم و با هم گفت‌وگو کنیم، سخن دقیقی نیست. در گفت‌وگو تعارض بخشی از شرایط مهیا‌کننده گفتار است. و شاید اختلاف هرگز رفع هم نشود اما آن تفاهم حاصل نمی‌شود؟ خیر، قطعاً یکی از خروجی‌های گفت‌وگو تفاهم است. این منطقی است که در گفت‌وگوی کاشانی و دهباشی نیز رویت شد به خصوص درباره مساله وحدت. وحدت تنها با گفت‌وگوی طرفین و تفاهم نهایی محقق می‌شود. در نتیجه جامعه امروز ایران نیاز به گفت‌وگوهایی از جنس حل مشکل دارد تا مسیر رشد اجتماعی هموارتر شود. امروز صداوسیما توسط برنامه‌سازها و سلب‌ریتی‌ها، گفت‌وگوی اصیل را که غایت دانش است به حاشیه رانده و با یک نوع گفت‌وگو زدگی باعث تکرار لذت در میان مخاطبان شده است. گفت‌وگویی که از جنس گفت‌وگوهای اجتماعی و لذت‌بخش است و اگرچه برای برنامه‌سازی لازم است اما کارکرد مقدس گفت‌وگو که به گفته سقراط خیر اعلی است، در آن محقق نمی‌شود. افلاطون به نقل از سقراط در آپولوژی می‌گوید: «خیر اعلی برای بشر آن است که هر روز از خیر و نیکی بگوید.» امروز جامعه ایران نیاز دارد بدون هیچ ترسی درباره موضوعات متناظره گفت‌وگو کند. دو مانع در این راه به نظر می‌رسد؛

بسیار به عبارت دیگر نماینده عقاید خودشان را در وضعیت برد تفسیر کردند و از این جهت به آرامش خاطر رسیده‌اند. لذا تا اینجا این گفت‌وگو بیشتر شبیه همان مناظره و جدال احسن بود که متکلمان نیز به آن وفادار بوده‌اند. و مهم‌تر آنکه اساسا دهباشی اصلا صلاحیت بحث در این بخش را نداشته است، چراکه در این حوزه تخصصی نداشت و این مهم را خود بارها در بحث اعتراف کرد. اما آیا نمی‌توانیم این رویارویی را گفت‌وگو از جنس راهی‌بخشی آن تفسیر کنیم؟ اگرچه هدف مهم‌تر این گفت‌وگو که باز کردن گره ذهنی مساله وحدت بود به خوبی محقق نشد اما در هدف دوم الگوی مناسبی برای گفت‌وگو به حساب می‌آید. همان‌طور که شادسون (۱۹۹۷) اشاره کرده است باید میان گفت‌وگوی اجتماعی که ساختاری آزاد دارد و غیر از لذت گفت‌وگو و همراهی با دیگران هدف مشخص دیگری ندارد، و گفت‌وگوی مشکل‌گشا که قاعده‌مند است، عموم مردم را مدنظر قرار می‌دهد و مشارکت در آن، اغلب طاقت‌فرسا و حتی ناراحت‌کننده است، تفاوت قائل بود. در واقع شادسون به گفت‌وگو حد می‌زند و گفت‌وگوی نوع دوم را مؤثرتر و مفیدتر از گفت‌وگوی اجتماعی می‌داند. گفت‌وگوی مشکل‌گشا نیاز به مبرم جامعه‌آموزین ماست که باید در تمامی ابعاد اجتماعی و سیاسی صورت پذیرد. گفت‌وگوی کاشانی و دهباشی اگرچه به دلایل نامبرده شده در اکثر دقایق شبیه مناظره بود و طرف مقابل (دهباشی) صرفا اشکال‌های منطقی و نه سندی و علمی به کاشانی وارد می‌ساخت اما در موقعیت‌هایی به سمت گفت‌وگوی مشکل‌گشا حرکت کرد. به خصوص در پایان گفت‌وگو که در دوطرف به واسطه همفکری و هم‌راستایی در نظر به تفاهم رسیده و مساله وحدت را به جد مورد تاکید قرار دادند. از دیگر نکات مثبت این گفت‌وگو این بود که نشان داد چقدر در مسائل اختلافی که باعث ایجاد گره‌ها و شکاف‌ها در ذهن افکار عمومی شده است، ما نیاز مبرم به گفت‌وگو و مشکل‌گشا داریم. اینکه چند ده هزار نفر قریب به سه ساعت و به صورت یکنواخت شاهد این گفت‌وگو بوده‌اند و در میان آن هیچ استراحت یا کلیپ مکملی که در برنامه‌های تلویزیونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، پخش نشد و مخاطب همچنان

گفت‌وگو صرفا برای ردیه ادعاهای تاریخی دهباشی مهیا شد و اصل مساله وحدت در دقایق پایانی ناکام ماند. این دعوت به گفت‌وگو که از جانب برخی روحانیون جامعه در یک سال اخیر مورد توجه قرار گرفته، به نوعی احیای سنتی اسلامی و ایرانی است. گفت‌وگو بیشتر با عنوان مناظره در گذشته مطرح بوده است و متکلمان همواره برای دفاع از عقاید حقه شیعه در صحنه گفت‌وگو حاضر می‌شدند و با فرد مدعی شروع به جدال می‌کردند. از آنجا که مناظره در فضای سیاسی ایران طی چند دهه گذشته بار معنایی منفی پیدا کرده است لذا در چند سال اخیر طرفین بحث، قالب رویارویی را با عنوان گفت‌وگو تعیین کرده‌اند. این اتفاق می‌تواند نوبدبخش یک تحول مثبت ارتباطی در سطح افکار عمومی ایران باشد که مستقیما با رشد جامعه و حل مسائل جمعی و فردی همراه است. اگرچه قواعد گفت‌وگو در ابتدای این مسیر به تکامل خود نرسیده است اما می‌توان امیدوار بود. نفس گفت‌وگو همان‌طور که افلاطون نیز اشاره کرده، غایت و مقصد دانش است و گفت‌وگو همان خیر اعلی است؛ اما باید قواعد و مناسبات آن و کارکردهای آن مورد بررسی قرار گیرد. به بیان دیگر نفس هر گفت‌وگویی ارزش ماهوی دارد حتی اگر آن گفت‌وگو میان شیطان و خداوند باشد. گفت‌وگو، دشمن تک‌گویی و تک‌ساحتی انسان است، در همین مثال اگر گفت‌وگو میان دهباشی و کاشانی صورت نمی‌پذیرفت دعوا و ناسزا از طرف جامعه مذهبی بالا گرفته و همچنین دهباشی نیز ممکن بود بر عقیده خود استوار باقی می‌ماند. میخاییل باختین، متفکر ادبی و فلسفی روسیه نشان می‌دهد که چگونه زبان گفت‌وگویی یکنواختی اندیشه را برهم می‌زند و باعث می‌شود چندصدایی در جامعه گسترش یابد. وقتی آرا و نظرات درهم نیامیزند و هیچ برخوردی با یکدیگر نداشته باشند در این لحظه هیچ دانشی تولید نمی‌شود. اساسا کار ویژه گفت‌وگو آمیزش آرا و صداهاست تا در نتیجه آن معرفت کسب شود. عمده گفت‌وگوی دهباشی و کاشانی به نوعی همان دفاعیه از عقاید و ردیه تشبیهات بود که در سده‌های پیشین میان علمای تشیع و سایر فرق و ادیان در قالب مناظره رخ می‌داد. لذا در پایان این بحث عمده مخاطبان که جامعه مذهبی را شکل می‌دادند کاشانی را پیروز بحث می‌دانستند.

جواد بادین فکر
پژوهشگر هسته افکار عمومی مرکز رشد دانشگاه امام صادق

«لایو کم‌هزینه اینستاگرامی حامد کاشانی و حسین دهباشی، به عمده ویژه برنامه‌های گفت‌وگویی هفته وحدت در صداوسیما می‌آید.» این گفته را در ابتدای بحث بسان استخوانی در گلو مطرح کردم تا دینم را به رسانه ادا کرده باشم.

در هفته گذشته حسین دهباشی با انتشار توییتی جنجالی به برخی از گزاره‌های تاریخی جهان اسلام شبهه وارد کرد و در نهایت تلاش کرد به نوعی برای دفاع از مساله وحدت شیعه و سنی برخی انگاره‌ها و اعتقادات شیعیان را زیر سوال ببرد. امتیاز ویژه این توییت فارغ از ارزیابی محتوای آن، این بود که به نوعی یک گره ذهنی یا شاید اختلاف میان شیعیان را که در سطح عمومی کمتر مطرح می‌شد، فعال کرده و آن را دستاویزی برای بحث اجتماعی قرار بدهد. آنچه این هدف را به حاشیه رانسد، انکار یک عقیده تاریخی در میان جامعه مذهبی بود که در طول چند قرن براساس آن مناسک و متونی در فرهنگ تولید شده است. لذا دو نکته کلی در این رخداد رسانه‌ای حائز اهمیت است. ابتدا مطرح کردن و برجسته‌سازی یک گره ذهنی و اختلاف حل نشده در میان شیعیان در سطح افکار عمومی پس از چند دهه از انقلاب؛ و دوم حمله ناشیانه به عقاید مذهبی که در حافظه فرهنگی ثبت و ضبط شده است. اقدام اول قابل تقدیر و اساسا مطلوب است، چرا که هرچه گره‌ها بیشتر بسته بماند و گشوده نشود شکاف‌های اجتماعی بیشتر می‌شود. در این میان خواسته یا ناخواسته مساله وحدت جزء شکاف‌های مذهبی است که در چند دهه به خصوص پس از انقلاب عمیق تر شده و عده‌ای برایشان این مساله به صورت حل نشده باقی مانده است. اما اقدام دوم باعث شد انگیزه اول به محاق رفته و اساسا مساله وحدت حاشیه‌ای شود و اینجا جامعه مذهبی یکپارچه از این محتوا اعلام برائت کند. لذا انگیزه گفت‌وگویی که به دعوت کاشانی و اجابت دهباشی صورت پذیرفت ناظر به بخش دوم بود و می‌توان گفت عمده این



صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

@farhikhtegandaily

روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR

